

همچنان بی خود و بی جهت

منوی پیشنهادی برای جشنواره ۳۰ فجر

چاپ شده در : مجله ۲۴

زمان انتشار : بهمن ماه ۱۳۹۰

مجله ۲۴ هر سال در شماره بهمن ماه خود بخشی با عنوان "منوی پیشنهادی جشنواره" دارد که از من و چند همکار دیگر می خواهد پیش گویی هایی درباره دیدنی ها و ندیدنی های احتمالی جشنواره در بخش سینمای ایران بنویسیم. بدیهی است که این مورد می تواند غلط هم از آب دربیاید؛ و شرح و اقرار به خود این غلط و درست از کار درآمدن ها را هم بعد از جشنواره در نوشته ای که دنباله این به حساب می آید، می آوریم .

*

*

در یادداشت سال گذشته ام در همین مجله و به همین مناسبت، تأکید کردم که در رویارویی با فیلم ها در سینما و حتی در مواجهه با آدم ها در زندگی شخصی، به شدت از این که چیزی برخلاف تصورات منفی ام از آب در بیاید و غافلگیرم کند و حتی این تفاوتش با احتمالات ذهنی من به حدی باشد که دیدن و شناختن اصلش سیلی محکمی به صورت و روانم بکوبد، به شدت استقبال می کنم .

انتخاب های «دوره‌می»: در همین آغاز این را توضیح بدهم که استفاده عنوان این یادداشت از نام فیلم اخیر کاهانی یعنی بی خود و بی جهت، تنها به این هدف نیست که بخواهد این فیلم را به عنوان مهم ترین فیلم سال سینمای ایران که در نخستین فهرست آثار راه یافته به بخش مسابقه سینمای ایران (اعلام شده در روز شکل گیری این یادداشت، بیستم دی ماه) به چشم نمی خورد، **bold** و برجسته کند. بلکه در کنار این هدف، ضمناً می خواهم به عام شمولی و همگانی بودن مفهوم نهفته در نام این فیلم با تمامی گوشه و کنارهای زیست فردی و اجتماعی ما در این زمانه و جامعه اشاره کنم؛ که همه چیزمان، همه درست و غلط هایمان، انتخاب ها و تصمیم هایمان، شانس ها و بدبختی هایمان می تواند به راحتی «بی خود و بی جهت» باشد. همین جوری، دیمی، تصادفی، بدون پایه و اساس، **Random** و «دوره‌می». مانند همین

حذف فیلم کاهانی از جشنواره؛ که با بی مسئله بودن این فیلمنامه او میان باقی کارهای این سال هایش که پروانه ساخت نگرفتند، به واقع «بی خود و بی جهت» به چشم می آید و وقتی سرانجام فیلم را ببینید، حیرت تان از ظرافت های آن با تعجب تان از این که به مشکل ممیزی برخورد، برابری خواهد کرد.

امیدواری ها: در این بخش برای آن که متهم به شباهت با مسعود فراستی نشوم (!)، فیلم های اعلام نشده از سوی دفتر جشنواره را هم در نظر می گیرم تا دست کم به تعدادی قابل قبول برسیم! چه بی خود و بی جهت و چه باخود و بادلیل، به فیلم های آزمایشگاه (امجد)، کلاس هنرپیشگی (داودنژاد)، یک پذیرایی ساده (حقیقی)، یک روز دیگر (فتحی) و نارنجی پوش (مهرجویی) امید بسته ام. این آخری را می دانم بسیاری دوست نخواهند داشت و مانند آسمان محبوب که اکران نشد تا دلایل درستی ساختار و لحن دوگانه اش را برای دوستان توضیح دهم، آن را نتیجه وخامت اوضاع فیلمسازی کارگردان بزرگ قدیمی ما خواهند خواند. چون در همان دنیا و حال و هواست .

نگرانی ها: در این بخش می خواستم نام فیلم هایی را بیاورم که بر اساس دانسته هایم از داستان، عوامل یا کلیت شان، امید چندانی به این که حاصل دلپذیر و بدیعی به بار بیاورند، ندارم. اما دیدم تعدادشان آن قدر زیاد است که ترجیح دادم تنها نام آنهایی را بیاورم که واقعاً و قلباً «نگران» خوب نشدن شان هستم و امیدوارم این دلواپسی، بی خود و بی جهت باشد: یک عاشقانه ساده (مقدم)، آمین خواهیم گفت (سالور)، بوسیدن روی ماه (اسعدیان)، بیداری (مؤتمن)، پل چوبی (کرم پور)، ملکه (آهنگر)، درانتظار معجزه (صدرعاملی)، پله آخر (مصفا) والته خرس (معصومی) که بار دیگر پرستویی را در همان تنها نقش این سال هایش یعنی یک رزمنده سابق به کار گرفته است!

تفریح و تفرج ها: شناخت و اخباری که دارم، می گوید که حین تماشای این فیلم ها بی آن که خندانان مان هدف سازندگان شان بوده باشد، تفریحات بسیار دل درآوری خواهیم کرد: راه

بهشت (صباغزاده)، چک (راست گفتار)، محرمانه تهران (فیوضی)، روزهای زندگی (شیخ طادی) و البته رویدن در باد (قنبری) که حتی نام پرطمطراقش نشان می دهد مانند فیلم های قبلی سازنده اش، نه به کار دنیا می آید و نه آخرت!

عصیت ها: از این فیلم ها و آن چه درباره شان می دانم، تا همین حالا هم انبوهی حرص خورده ام و به گمانم در فرآیند تماشایشان هم از رویکردشان به مدیوم سینما، از اهداف غیرفرهنگی و از حاصل نهایی شان، به شدت عصبی خواهم شد: گشت ارشاد (سهیلی)، تلفن همراه رئیس جمهور (عطشانی)، پرواز بادبادک ها (قوی تن)، بزن بریم بهشت (کیایی) و البته گیرنده (غفارزاده).

پی نوشت: مانند سال گذشته، آماده و حتی امیدوارم که در مورد هر فیلمی برخلاف تصوراتم، حرفم را پس بگیرم. هرچند در برخی موارد، با توجه به این که فیلم هایی را دیده ام، واکنشم را در قبال آنها به سیاق این مطلب در قالب پیش بینی بیان کردم؛ و بیش از همه، اطمینانم را در مورد اثرگذاری، کمال تکنیکی، انسان شناسی معاصر و ممیزی کاملاً بی خود و بی جهت فیلم بی مشابه بی خود و بی جهت.